

اعتبار آزمایش‌های پزشکی

بحث از اعتبار انواع آزمایشات پزشکی و مسائل مرتبط با آن مثل انگشت نگاری و ... در دو مقام خواهد بود:

مقام اول: اعتبار این آزمایشات در صورتی که موجب علم و یقین باشند. این بحث از جهت اعتبار برای اشخاص عادی نسبت به وظایف شخصی خودشان که روشن است و از جهت جواز حکم قاضی بر اساس آن، مربوط به کتاب قضاء است. مساله جواز قضای قاضی بر اساس علم خودش از قدیم در کتب مورد بحث قرار گرفته و برخی آن را مطلقاً پذیرفته‌اند و برخی نه و برخی هم بین حقوق الله و حقوق الناس تفصیل داده‌اند و برخی بین علم حاصل از طرق عادی و علم حاصل از غیر آن به تفصیل معتقد شده‌اند. این بحث کبروی و مربوط به کتاب قضا است. اما یک بحث صغروی مطرح می‌شود که آیا این آزمایشات برای کسانی که آنها را انجام می‌دهند معمولاً موجب علم می‌شوند یا نه؟

این بحث صغروی که به بحث فقه پزشکی مرتبط است از این جهت حائز اهمیت است که اگر این آزمایشات معمولاً موجب علم باشند اخبار بر اساس آنها، خبر حسی خواهد بود و حجیت آن برای دیگرانی که از آن علم حاصل نکرده‌اند یا مثل قاضی حق قضای به علم نداشته باشند از باب حجیت اخبار حسی خواهد بود. معیار حسی بودن یا حدسی بودن مسائل همین وقوع اختلاف و عدم آن است. چنانچه مساله از مسائلی باشد که احتمال وقوع خلاف در آنها نزدیک به صفر باشد جزو امور حسی خواهد بود و اخبار از آن مشمول ادله حجیت خبر حسی است اما اگر از مسائلی باشد که در آنها خلاف رخ می‌دهد جزو امور حدسی است که خبر از آن باید بر اساس حجیت قول خبره بررسی شود.

نتیجه اینکه این بحث صغروی مرتبط با فقه پزشکی است و باید از آن بحث کرد.

در مقاله «ادله تقدم نوعی امارات قضایی بر امارات قانونی» منتشر شده در «پزشکی قانونی ایران» بهار ۱۳۹۷ این چنین آمده است: «داده‌های آزمایشگاهی طبی که عمدتاً شامل آزمایش‌های آسیب شناسی، سم شناسی، سرولوژی و ژنتیک بوده و به عنوان امارات قضایی پزشکی محسوب می‌گردند، تا حد معتدنه دقیق و بی نقص بوده و یافته‌های آن با کمترین میزان خطا مواجه می‌شود. احتمال نزدیک به صفر کسب نتایج خلاف حاصل از این آزمایشات باعث گردیده تا عقلاء این احتمالات بسیار ضعیف را نادیده بگیرند و در نتیجه محصول این آزمایشات در تعارض با امارات قانونی از باب تقدم علم بر ظنون نوعی معتبر خواهد بود»

این نشان دهنده این است که این آزمایشات از نظر متخصصین نوعاً مفید علم است و احتمال خلاف در آنها نزدیک به صفر است.

مقام دوم: اعتبار این آزمایشات در صورتی که موجب علم و یقین نباشند آیا حجت و معتبرند؟

ظاهر فتاوی که از برخی علماء معاصر نقل شده است عدم اعتبار این آزمایشات در صورت عدم حصول علم و یقین است و بلکه حتی با سایر امارات و ادله (حتی اگر مثل قاعده فراش از قبیل اصل عملی باشند) نیز تعارض نخواهند داشت.

«این جانب از خانواده‌های مذهبی و متدین می‌باشم دارای همسری بودم بطوری که بتدریج از رفتار و عملکرد ایشان مشکوک گردیدم تا اینکه پس از چندی ضمن ارتباط با چند نفر دستگیر و روانه زندان شدند و در نهایت مطلقه‌اش کردم. با توجه به اینکه نامبرده حامله بود و نسبت به جنین مشکوک بودم برابر مفاد طلاق‌نامه و پرونده‌های متشکله مقرر گردید پس از وضع حمل نمودن آزمایشات لازمه پیرامون اثبات ولد و آزمایش ابوت صورت گیرد. حکم شرعی را در خصوص مورد اعلام فرمائید.

جواب- در فرض سؤال فرزند ملحق به صاحب فراش «شوهر شرعی» است مگر اینکه یقین بر خلاف آن از نظر ارتباطات زناشویی خصوصی داشته باشند.» (مجمع المسائل آیت الله گلپایگانی، جلد ۴، صفحه ۳۸۴)

در مقاله «بررسی حجیت آزمایش DNA در نفی نسب» منتشر شده در مجله حقوق خصوصی شماره ۲۲ آمده است:

«در مورد نظر فقهای معاصر، مرکز تحقیقات فقهی بر مبنای استفتائاتی که از مراجع عظام در پاسخ این پرسش که آیا نتیجه آزمایش‌های ژنتیکی فعلی از نظر شرعی می‌تواند مستند و دلیل بر اثبات و نفی گردد یا خیر؟ آورده است: «باتوجه به استفتائات انجام شده توسط این مرکز در موارد مشابه از مراجع عظام، اکثر آنان اظهار داشته‌اند آزمایش‌های دقیق علمی به عنوان دلیل اثبات نسب حجیت ندارند، مگر اینکه موجب حصول علم شوند.»

در استفتائات از سایر مراجع نیز چنین مطالبی وجود دارد:

در صورتی که زنی اقرار به زنا کند، و مدعی شود از زنا حامله شده، ولی متهم ارتکاب چنین عملی را انکار کند، بفرمایید:

الف) آیا آزمایش‌های پزشکی (مانند...) می‌تواند تحقق زنا و باردار شدن زن از ناحیه متهم را اثبات کند؟

ب) چنانچه برای قاضی از این طریق علم، اطمینان، یا ظن قوی حاصل شود، آیا می‌تواند به اقتضای آن عمل کند؟

ج) در صورت عدم وجود دلیل کافی جهت اثبات حدّ زنا بر مرد، آیا می‌توان به استناد آزمایش مذکور و اقرار متهمه (زانیه) متهم را به جهت ارتباط نامشروع به تعزیر محکوم کرد؟

د) آیا اثبات نسب کودک به مردی که همسر این زن نمی‌باشد، و اقرار به زنا هم ندارد، و منکر وجود این انتساب می‌باشد، صرفاً به استناد آزمایش‌های پزشکی (مانند...) ممکن است؟

ه) در صورتی که برای قاضی از این طریق علم، اطمینان، یا ظنّ قوی به رابطه اُبُوت و بُنُوت حاصل شود، آیا می‌تواند حکم به وجود نسب کند؟

جواب الف تا ه: این گونه آزمایشات زنا را اثبات نمی‌کند، و علم قاضی که ناشی از آن باشد حجّت نیست، و بر اساس آن نمی‌توان بر متهم حد و حتّی تعزیر جاری کرد، و نَسَب نیز با این آزمایشات ثابت نمی‌شود.

(استفتائات جدید (آیت الله مکارم)، جلد ۳، صفحه ۱۳۹)

شخصی زن گرفته و شك می‌کند که از راه نامشروع حامله است، در حین عقد شرط می‌کند که اگر زن عمل نامشروعی انجام داده است، طلاق داده می‌شود. بعد از مدتی این زن بچه‌دار شده و از آزمایشات به دست آمده معلوم شده که این فرزند متعلق به شخصی است که قبلاً با این زن رابطه نامشروع داشت، حال این فرزند شرعاً به چه کسی متعلق است؟ و آیا زن حق گرفتن مهریه را دارد؟ و حکم زن و مرد اولی چیست؟

ج- بطور کلی این نوع آزمایشات شرعاً دلیل بر انتساب بچه یا نفی بچه نمی‌شود مگر اینکه موجب علم یا اطمینان شود و در فرض مذکور اگر بچه مذکور شش ماه پس از ازدواج متولد شده است، شرعاً متعلق به زوج این زن می‌باشد، مگر اینکه زوج و زوجه ملاعنه کنند که در صورت انجام ملاعنه کودک از آن مرد نفی می‌شود و در هر حال زن و مرد اولی حکمی ندارند. مگر اینکه به گناه خود اقرار کنند که در این صورت باید حد بر آنها جاری شود. و در هر حال این زن استحقاق مهریه خود را دارد.

(جامع المسائل (آیت الله فاضل لنکرانی)، جلد ۲، صفحه ۴۲۹)

خانمی که حدود یازده ماه قبل همسرش از دنیا رفته الآن فرزندی به دنیا آورده که زن معتقد است از شوهرش می‌باشد. بفرمایید حکم این ولد چیست؟ آیا جواب آزمایش A- N- D حجّت دارد؟ و آیا قیافه‌شناسی در این مورد جایگاهی دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، که امکان الحاق فرزند به پدر وجود دارد گفتار مادر حجّت است و ولد متعلق بفراس است و قیافه و شباهت به پدر و آزمایشات ملاک نیست.

(رساله استفتائات آیت الله منتظری، جلد ۳، صفحه ۳۸۴)

خانمی ادّعا می‌کند که فرزند ۳ ساله‌اش از نطفه شخص ثالثی غیر از شوهر اوست و شخص ثالث ادّعی خانم و هر گونه عمل و رابطه جنسی را به شدت انکار می‌کند. با توجه به آزمایشات ژنتیکی به عمل آمده صحت ادّعی خانم ثابت است.

در مورد حدود شرعی و مسائل ملحق به آن، چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: حدّ شرعی مربوط به حاکم شرع است، اگر در محکمه شرعی زنا ثابت شد حاکم شرع حدّ را جاری می‌کند و لازم نیست افشا شود تا به حاکم شرع برسد، بلکه اگر توبه کنند خدا قبول می‌کند و فرزند ملحق به شوهر است «الولد للفراس»، مگر این که آزمایش‌ها موجب یقین قطعی شدند. در عین حال حفظ بچه

لازم بوده و اتلاف او جایز نیست و نفقه بچه بر عهده پدر اوست و اگر پدر استنکاف می کند و اجبار ممکن نیست بر عهده مادر اوست.

(رساله استفتائات آیت الله منتظری، جلد ۳، صفحه ۴۷۱)

و استفتائات مشابهی نیز از سایر مراجع نقل شده است (در مقاله اثبات نسب به وسیله آزمایش های ژنتیکی نوشته محمد حسنی) که تقریباً همه ایشان متفق بر عدم اعتبار این آزمایشات در صورت عدم حصول علم هستند.